

تأثیر رقابت و همکاری اعضای اصلی سازمان شانگهای در اهداف و عملکرد آن؛ ۲۰۰۱-۲۰۱۳



رضا سیمبر*
مهدی هدایتی شهیدانی**

چکیده

در منطقه آسیای مرکزی ایجاد و گسترش موضوع خلاء قدرت در فضای پس از جنگ سرد، موجب حساسیت و توجه بازیگران منطقه به ایجاد ساختار همکاریانه شد. تشکیل سازمان همکاری‌های شانگهای نشان‌دهنده این حساسیت و عزم اعضای مؤسس آن نسبت به مسائل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی است. حضور روسیه و چین به‌مثابه دو قدرت هسته‌ای و اقتصادی، در کنار خرده بازیگرانی که با مسائل متعدد اجتناب‌ناپذیر مواجه بودند، موجب شد تا ماهیت این ساختار منطقه‌ای در عین وجود چارچوب همکاری‌جویانه، نشانه‌هایی از رقابت و تعارض را نیز در چگونگی مواجهه با بحران‌های امنیتی در خود داشته باشد. در این مقاله برای تبیین ماهیت نظام ارتباطی حاکم بر روابط اعضای سازمان شانگهای از رهیافت مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای استفاده شده است. تلاش خواهد شد تا فرضیه مقاله؛ «گردهم‌آمدن رویکردهای متفاوت در شانگهای منجر به گسترش روابط همکاری‌جویانه، و در عین حال رقابتی و منفعت‌گرا میان اعضای آن شده است»، به‌وسیله متغیرهایی همچون مسائل تاریخی، شاخصه‌های ژئوپلیتیکی و ابزارهای اقتصادی مورد آزمایش قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: سازمان همکاری‌های شانگهای، مجموعه امنیتی، رقابت‌ها،

روسیه، چین

* استاد و مدیر گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

rezasimbar@hotmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه فدرال کازان، روسیه Mehdi.hedayati88@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۵

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۲۹-۲۰۱

مقدمه

منطقه آسیای مرکزی در طول جنگ سرد به دلیل واقع شدن در قلمرو داخلی شوروی سابق، تقریباً هیچ‌گونه توجهی را از سوی سایر کشورها به سوی خود جلب نکرد. این موضوع به طور کلی با استقلال جمهوری‌های نوپا در پی فروپاشی اتحاد شوروی متحول شد. منابع نفت و گاز منطقه، نزدیکی جغرافیایی به صحنه اصلی عملیات علیه تروریسم در افغانستان توسط ایالات متحده و همچنین یدک‌کشیدن عنوان حیات خلوت ژئوپلیتیکی^۱ روسیه و حتی چین، به سرعت آسیای مرکزی را تبدیل به یکی از قطب‌های اصلی رقابت منافع قدرت‌های بزرگ کرد. به پیشنهاد و ابتکار عمل چین، سنگ‌بنای اولیه سازمان همکاری‌های شانگهای با هدف کنترل فضای رقابتی قدرت‌های بزرگ به منظور نفوذ بر ظرفیت‌های اقتصادی و راهبردی و نیز محدودسازی افراط‌گرایی اسلامی در گستره‌ای که با فقر و شرایط نامساعد و بی‌ثبات اقتصادی و سیاسی روبه‌رو بوده و تجربه اندکی از تجارت با جهان خارج را داشته است، در سال ۱۹۹۶ نهاده شد. این سازمان در حال حاضر متشکل از کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان است. شانگهای به دنبال ایجاد هماهنگی سیاسی و همکاری در مورد مسائل اقتصادی و نظامی است. در این مقاله تلاش ما بر آن است تا به بررسی منافع شکل‌دهنده، کارکردها و ارزیابی اهداف همکاری‌جویانه و هماهنگ‌کننده سیاسی کشورهای عضو بپردازیم. پرسش اصلی مقاله این است که جنبه‌های رقابتی و یا همکاری‌جویانه روابط اعضای این سازمان چه تأثیری بر اهداف و کارکردهای آن دارد؟

1. Geopolitical Backyard



در این مقاله تلاش شده تا چارچوب نظری براساس اهداف و ضرورت‌های شکل‌گیری سازمان همکاری‌های شانگهای تنظیم شود. از آنجایی که بخش عمده اهداف اولیه این ساختار نوین بین‌المللی شامل مباحث و دغدغه‌های امنیتی است، برای پاسخگویی به پرسش اصلی، فرضیه مقاله بر این اساس استوار شده است که گردهم‌آمدن رویکردهای متفاوت در شانگهای موجب گسترش روابط همکاری‌جویانه و در عین حال رقابتی و منفعت‌گرا میان اعضای آن شده است. در این راستا ابتدا به توصیف نظریات امنیتی و گزاره‌های مؤثر آنها برای ترسیم فضای کلی می‌پردازیم. سپس به ارائه و معرفی ضرورت‌های تشکیل این سازمان از نگاه هریک از مؤسسان پرداخته و سرانجام با واکاوی روابط دو و چندجانبه اعضاء، ماهیت رقابتی و تعاملی آنها را ترسیم و ارائه خواهیم کرد. این مقاله در پرداختن به مسئله مورد بحث، از روش مطالعه موردی بهره می‌گیرد.

۱. رهیافت مجموعه‌های امنیتی - منطقه‌ای^۱

اغلب سیستم‌های منطقه‌ای در حقیقت مجموعه‌ای از دولت‌هایی است که دست‌کم تحت تأثیر یک خطر خارجی بین‌مرزی ناشی از یک حوزه جغرافیایی خاص قرار دارند. در صورتی که عوامل خارجی محلی، خطری بالقوه یا واقعی را برای امنیت و سلامت فیزیکی افراد یا حکومت دیگر دولت‌ها در پی داشته باشند، در این حالت سیستم یا مجموعه امنیتی شکل می‌گیرد.

بری بوزان^۲ و آلن ویور^۳ به عنوان پیشگام در ترسیم نظریات امنیتی، در نظریه مجموعه امنیتی خود، مفهوم امنیت را صرفاً در بخش سیاسی و نظامی به‌کار نمی‌برند و معتقدند که در بخش‌های دیگر از جمله بخش‌های اقتصادی، محیطی، هویت و ... که افراد به عنوان موضوع ارجاعی امنیت محسوب می‌شوند نیز، به‌کار گرفته می‌شود. پس موضوعات تجارت آزاد، عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، حقوق بشر، محیط‌زیست نیز به‌عنوان موضوعات امنیتی در نظر گرفته می‌شوند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۷). در نگاه بوزان، مجموعه‌های امنیتی

1. Regional Security Complexes

2. Barry Buzan

3. Ole Weaver



منطقه‌ای، مجموعه‌های سنتی و سیاسی- نظامی دولت‌محور هستند که توسط متغیرهای نوینی تعریف می‌شوند (Buzan, 2000: 19). متغیرهایی مانند هرج و مرج، فاصله و پیامدهای آن و همچنین تفاوت‌های جغرافیایی از مهم‌ترین این متغیرها هستند. چنانچه واحدها به‌لحاظ مسافت‌های جغرافیایی به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، به‌طور بالقوه پتانسیل بیشتری برای همگرایی دارند. در این تفسیر هرگونه کنش و واکنشی که ماهیت امنیت‌محور دارد، خواه میان دوستان و یا میان دشمنان صورت پذیرد، به‌دلیل بروز در مقیاس جغرافیایی کوچک و نزدیک به‌هم، شدت بیشتری خواهد داشت. در این راستا، ویور به‌جای کشورها، مفهوم «جامعه»^۱ را به‌عنوان هدف اصلی امنیت پیشنهاد می‌کند (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

در برخی موارد، پاره‌ای از دولت‌ها ممکن است خود را محصور در یک مجموعه امنیتی دیده و چاره‌ای جز عضویت در آن، به‌رغم عدم علاقه، نداشته باشند. در نگاه بوزان و ویور عامل تاریخی نیز در چگونگی ترسیم تعارضات و همکاری‌ها مؤثر واقع می‌شود و ترس و تهدیدی که از نتیجه این همکاری و تعارض ایجاد می‌شود، زمینه ایجاد بستر برای ساخت یک مجموعه امنیتی را فراهم می‌آورند. روابط واحدها در این محدوده‌ها تابعی از میزان دوستی‌ها، خصومت‌ها و در شمای کلی‌تر، تابعی از میزان قدرت هر یک از بازیگران در گیر در مجموعه است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۶۷).

بوزان در کتاب «مردم، کشورها و ترس»^۲ اصلی‌ترین دلیلی را که موجب ایجاد یک مجموعه امنیتی می‌شود، وجود روابط دوستانه و یا دشمنانه می‌داند؛ در نتیجه این نوع روابط، تهدیدهای متنوع و مختلفی برای هر یک از طرفین درگیر در یک مجموعه امنیتی به‌وجود می‌آید. این تهدیدها مشخصاً به ایجاد نقاط تلاقی در محیط امنیتی کمک می‌کنند. بوزان پیرامون تکامل مجموعه‌های امنیتی معتقد است این مجموعه‌ها همواره ماهیت پایدار ندارند و عامل زمان در ایجاد تحول ماهوی آنها نقش اصلی دارد. تحولات تدریجی این مجموعه به این صورت است که در ابتدا وضع موجود حفظ شده و تغییر محسوسی در ساختارهای اولیه یک مجموعه رخ

1. Society
2. People, States and Fear

نمی‌دهد. در مرحله بعد به‌طور تدریجی تحول در یک مجموعه امنیتی، از تحول در همگرایی‌های آن آغاز می‌شود. به این معنا که الگوهای دوستی- دشمنی موجب افزایش چگالی و اگرای، ادغام به بیرون و احساس غلبه می‌شوند. همچنین آنچه که در بیرون از یک مجموعه به‌وقوع می‌پیوندد، به‌مثابه عاملی قلمداد می‌شود که به روند تغییرات عضویتی کمک می‌کند (Buzan, 2007: 19-20).

۲. روند شکل‌گیری سازمان شانگهای

سازمان همکاری‌های شانگهای^۱ - نام رسمی سازمان که در سال ۲۰۰۱ برگزیده شد- در سال ۱۹۹۶ با عنوان شانگهای پنج^۲ شروع به فعالیت کرد. با وجود بیش از ۱,۵ میلیارد نفر جمعیت و داشتن حدود ۱۱ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت در جهان، این سازمان موقعیت ژئواستراتژیکی مناسبی نسبت به سایر سازمان‌های منطقه‌ای دارد. این سازمان از مذاکراتی که در اواسط دهه ۱۹۹۰ میان چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در مورد اختلافات مرزی برگزار شده بود، به‌وجود آمد. تنش دیرینه میان اتحاد جماهیر شوروی و چین در طول مرز مشترک خود تبدیل به مسئله‌ای چندبُعدی با کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی در سال ۱۹۹۱ شد. چین، روسیه و سه کشور آسیای مرکزی هم‌مرز با چین؛ یعنی قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان برای نخستین‌بار در ۱۹۹۴ ترتیباتی را تنظیم کردند و در ۱۹۹۶ این کشورها موافقتنامه شانگهای را با هدف اعتمادسازی در زمینه نظامی در طول مرزها امضاء کردند که به‌دنبال آن در ۱۹۹۷ توافقنامه‌ای میان این کشورها در زمینه کاهش نیروهای نظامی در طول مرزها حاصل شد. این توافقنامه اقدامات کاهنده و شفاف‌کننده نظامی هر پنج کشور واقع شده در طول مرزهای مشترک را تنظیم می‌کند. روابط کشورهای عضو بیشتر به‌واسطه مجموعه‌ای از موافقتنامه‌های دوجانبه در تعیین مرزها، تجارت و همکاری‌های مشترک تثبیت شده است. در واقع وجود شهرک‌ها و مبادی مرزی، به چین و همسایگانش کمک کرده تا قادر باشند پیرامون تعیین سازوکارهای جامع و دائمی هماهنگی و همکاری سیاسی به توافق برسند (Bailes, 2007: 4).

1. SCO: Shanghai Cooperation Organization
2. Shanghai Five



اگرچه سازمان توسط چین و با هدف جلوگیری از تجزیه‌طلبی و مقابله با تروریسم افراط‌گرایان اسلامی تأسیس شد، اما این نخستین‌باری بود که چینی‌ها ابتکار عملی ایجاد یک سازمان چندجانبه را در دست می‌گرفتند. این سازمان به منافع امنیتی چینی‌ها از طریق اتصال به کشورهای همسایه و خودداری‌شان از حمایت از گروه‌های مخالف در منطقه سین‌کیانگ^۱، واقع در شمال غرب چین، بهره‌فراوانی می‌رساند، اما همچنین نگرانی‌های منطقه‌ای پیرامون تمامیت ارضی کشورهای جدید آسیای مرکزی را نیز مدنظر قرار داده که در نتیجه درک و اقدام هماهنگ برضد تهدیدات مشترک تروریستی منتج از افراط‌گرایی اسلامی را به این کشورها وعده داده است. از زمان جنگ سرد به بعد، جدایی‌طلبان در مناطق آسیای مرکزی و سین‌کیانگ چین با هدف احیاء و ایجاد ترکستان شرقی در منطقه فعال شده‌اند. پکن استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی را از شوروی عامل و مشوق اصلی رشد احساسات ملی‌گرایانه در میان ایغورهای ترک‌زبان منطقه می‌داند: (Shulong, 2003: 186-187).

چینی‌ها این سازمان را، که نامش منبعث از نام شهر شانگهای بوده و دفتر مرکزی آن در چین واقع شده و عمدتاً توسط چینی‌ها اداره می‌شود، بخشی از وجهه بین‌المللی خود قلمداد می‌کنند. در واقع سازمان شانگهای دروازه اصلی چین برای ورود به آسیای مرکزی به‌واسطه فقدان خلاء نسبی قدرت و نفوذ سایر قدرت‌ها بود. تا پیش از این، نفوذ چین در منطقه به‌دلایل ذکرشده بسیار حداقلی بوده، در حالی که قدرت به‌ارث‌رسیده به روس‌ها از دوران شوروی، همچنان فزاینده بود (Yahuda, 2004: 213, 222, 302).

مسائل مربوط به انرژی و خطوط انتقال آن، نقش محوری را در اقتصاد سیاسی آسیای مرکزی بازی می‌کند. پکن به‌دنبال آن است که سازمان شانگهای به این کشور در دسترسی به ذخایر نفت و گاز منطقه بدون ایجاد تعارض کمک کند. بیانیه تأسیسی این سازمان، اهداف همکاری‌ها را در توسعه منابع انرژی به‌خوبی نشان می‌دهد. موضوع خطوط انتقال انرژی در آسیای مرکزی نسبتاً جدید بوده؛ چون در دوران شوروی سابق به‌واسطه برنامه‌ریزی دولت مرکزی، تولیدکنندگان منابع انرژی

منطقه‌ای نیازی به در نظر گرفتن موضوع خطوط لوله نداشتند. آسیای مرکزی و قفقاز تولید نفت را از سال ۱۸۷۱ آغاز کرده‌اند و قبل از جنگ جهانی دوم تقریباً نیمی از تقاضای جهانی نفت خام دنیا را برآورده می‌ساختند. با این حال، از آنجا که پس از جنگ جهانی دوم اتحاد جماهیر شوروی روی توسعه منابع انرژی سبیری و صادرات آن به اروپای شرقی و غربی متمرکز شده بود، خطوط لوله برای پاسخگویی به این اولویت‌ها ساخته شدند. در مقابل، ذخایر انرژی آسیای مرکزی که بیشتر در قزاقستان و ترکمنستان واقع شده‌اند، یا به صورت محلی استفاده می‌شدند و یا به مسافت‌های کوتاهی در شوروی سابق منتقل شده و در آنجا تصفیه می‌شدند. در نتیجه صنایع نفت و گاز روسیه نسبت به جمهوری‌های آسیای مرکزی همواره در اولویت برای توسعه قرار داشت. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ شرکت‌های خارجی و کشورهای منطقه شروع به ارائه و بررسی پیشنهادات تجاری کردند که این پیشنهادات در ترکمنستان و ازبکستان به شدت کنترل می‌شد، اما در قزاقستان و قرقیزستان مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گرفت. در ابتدا کشورهای تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی توجه نهادهای خارجی جدید را مورد استقبال قرار دادند؛ چون که انتظار کسب سود قابل ملاحظه‌ای را از همکاری با آنها انتظار داشتند.

به نظر می‌رسید بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی، این دولت‌ها نتوانند در انجام نوسازی و ملت‌سازی^۱ که فرایندهایی لازم برای ایجاد ثبات سیاسی و اجتماعی داخلی هستند، موفق شوند. پایه‌های سازمان شانگهای به‌طور مستقیم این مسائل اجتماعی-اقتصادی را مورد رسیدگی قرار نمی‌دهد، بلکه به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز از درگیری دولت‌های عضو در نتیجه روابط رقابتی بر سر جذب منابع و سرمایه‌های خارجی جلوگیری می‌کند (Sznajder, 2006: 99).

۳. انگیزه اعضای اصلی نسبت به عضویت در شانگهای

۳-۱. کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان)
با وجود آن‌که کشورهای آسیای مرکزی-اعضای شانگهای- رویکرد مثبتی را نسبت

به همکاری‌های نهادینه‌شده در پیش گرفته‌اند، اما ظاهراً به‌جای تمرکز بر روابط میان خویش، بر ایجاد ارتباط با قدرت‌های این سازمان؛ یعنی روسیه و چین متمرکز شده‌اند. در نتیجه عملکرد مناسبی پیرامون همکاری‌های دوجانبه میان این کشورها ثبت نشده است؛ مسئله‌ای که به‌دلیل قرارگرفتن در اولویت و تمایلات ملی این کشورها تبدیل به روندی تقابلی با همکاری‌های منطقه‌ای شده است. کشورهای آسیای مرکزی بیشتر به‌جای آن‌که شریک یکدیگر باشند، تبدیل به رقبای جدی درون سازمانی شده‌اند. به‌طور مثال، ازبکستان و قرقیزستان همچنان درگیری مرزی جدی با یکدیگر دارند، این مسئله با عملیات نظامی ازبکستان علیه شبه‌نظامیان اسلام‌گرای مدعی در قلمرو تاجیکستان و قرقیزستان بدون اجازه از دولت‌های همسایه همراه شده است (Ларуэлы Пе́йруз, 2013: 29-30).

در روند شکل‌گیری سیستم جدید امنیت منطقه‌ای، این سازمان باید بر اختلافات جدی موجود میان شرکت‌کنندگان فائق آید. اعلام سیاست خارجی چندسویه و چندبعدی از سوی برخی اعضاء، در اصل به‌صورت کاملاً علنی جهت‌گیری‌های غربی را برجسته کرده، که از آن‌جمله می‌توان به راهبردهای ازبکستان و تاحدودی قزاقستان اشاره کرد. تاجیکستان ضعیف‌ترین کشور در سازمان پیمان امنیت جمعی است و بیشترین کمک نظامی را برای بقاء در برابر وضعیت نامطلوب و ناامن خود نیاز دارد. اما کشورهای دیگر منطقه نیز به‌طور فزاینده‌ای برای تضمین امنیت خود به کمک‌های خارجی وابسته هستند. قرقیزستان به‌دلیل ضعف اقتصادی و مبارزه بی‌پایان بین قبایل شمال و جنوب در این کشور، دچار نوعی بی‌ثباتی مزمن است. اگرچه این کشور از دو انقلاب در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ جان سالم به‌در برده، همچنان اقتصاد این کشور دچار بحرانی فزاینده است و مخالفان نیز همچنان در جهت سرنگونی حکومت در این کشور فعالیت می‌کنند و در نتیجه اوضاع داخلی کشور بی‌ثبات بوده است (قرابایف، ۱۳۹۲).

رقابت‌های منطقه‌ای قزاقستان با ازبکستان نیز فروکش نکرده و اگرچه این دو کشور از جمله دولت‌های باثبات در منطقه محسوب می‌شوند، ولی وضعیت امنیتی در این کشورها نیز از ثبات چندانی برخوردار نیست و در آینده نزدیک به‌واسطه انتخابات ریاست‌جمهوری در این کشورها انتقال قدرت صورت خواهد گرفت. پس از حملات

تروریستی در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۴ که توسط جنبش اسلامی ازبکستان صورت گرفت، تاشکند تا حدود زیادی توانست این گروه افراطی را از قلمرو خود دور کند. در ژوئیه سال ۲۰۱۲، ازبکستان بر مبنای استراتژی سیاست خارجی جدید خود اعلام کرد که نمی‌خواهد در هیچ بلوک نظامی حضور داشته باشد و بنابراین از سازمان پیمان امنیت جمعی جدا شد (لاروزلی‌پتیروز، 2013: 30).

به‌طور کلی برای کشورهای آسیای مرکزی ایجاد سازمان شانگهای پاسخی به پنج نیاز اساسی این کشورها به شرح زیر بود؛ نخست اینکه اعضاء تمایل دارند سازمان به‌عنوان متعادل‌کننده رفتار سیاسی دو عضو قدرتمند و مؤثر یعنی روسیه و چین عمل کند. دوم، شانگهای شرایطی را فراهم کند که به تداوم امنیت منطقه‌ای منجر شود. سوم اینکه، بستری برای همکاری‌های اقتصادی بیشتر، به‌ویژه در کمک‌رسانی به توسعه منابع انرژی آسیای مرکزی و از طریق افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های روسی و چینی، فراهم شود. چهارم، بقای نظام‌های حکومتی آسیای مرکزی از طریق حفظ شرایط موجود که از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف کشورهای آسیای مرکزی از عضویت در این سازمان است. در واقع آنچه تمایل رهبران این کشورها را به سوی تداوم عضویت در سازمان شانگهای جلب کرده، وجود اصل عدم‌مداخله در امور داخلی کشورهای عضو توسط این سازمان است. و سرانجام اینکه شانگهای در ارتقای همکاری منطقه‌ای کلان و مسائلی همچون توزیع آب و حل و فصل منازعات خارجی مؤثر و یاری‌دهنده اعضایی همچون کشورهای آسیای مرکزی است (Salimova, 2007: 20-21).

۲-۳. فدراسیون روسیه

به‌عنوان یک قدرت بزرگ، روسیه تلاش می‌کند تا یک گروه امنیتی منطقه‌ای تشکیل داده و از تنزل منزلت خود جلوگیری کند. از دست‌دادن سه کشور بالتیک هشدار می‌دهد که روسیه تا نسبت به سایر اعمار هوشمندانه‌تر رفتار کند. بلاروس همچنان خود را در اتحاد با این کشور می‌داند. اما اکراین شرایط متلاطمی را پشت‌سر نهاده است. اعتراضات ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۳ در ارتباط با ورود به اتحادیه اروپا، مواجهه با مشکلات ناشی از تمایلات تجزیه‌طلبانه در چین و داغستان که در ارتباط با



فعالیت گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه به اوج خود رسیده است، از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی پیش‌روی روس‌هاست.

بری بوزان تا پیش از سال ۲۰۱۰، جایگاه کشور روسیه را در میان قدرت‌های جهانی به‌واسطه مشکلات عمده اقتصادی بسیار ضعیف می‌پنداشت و معتقد بود که چنانچه میان کسب توانایی لازم برای ایفای نقش جهانی توسط این کشور و وجود چشم انداز لازم از سوی بازیگران برتر جهت شناسایی آن به‌عنوان قدرت جهانی، وقفه طولانی ایجاد شود، آن‌گاه هرگز روسیه نخواهد توانست به موقعیت قدرت جهانی صعود کند. از نظر بوزان ممکن است که جایگاه منطقه ای روسیه به‌دلیل عدم تسلط بر فضای پس از شوروی دچار شکنندگی فزاینده‌ای شود. با این‌حال، بوزان باوجود آن‌که ارتباط نظامی قفقاز و آسیای مرکزی را با روسیه فعلاً بسیار نزدیک دانسته، اما این پرسش را طرح می‌کند که آیا ممکن است یک ائتلاف در نزدیکی مرزهای این کشور شکل بگیرد؟ در واقع روسیه تا چه حد می‌تواند شرکای خویش را در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای متمرکز کند؟ نتیجه این بازی اساساً نقش این کشور را در سایر معادلات جهانی تحت تأثیر قرار می‌دهد (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۴۶). سازمان‌های یکی از آن مجموعه‌های امنیتی خواهد بود که می‌تواند نیازهای این‌چنینی روس‌ها را برطرف سازد.

روسیه در سازمان همکاری‌های شانگهای به‌دلیل توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گسترده، نفوذ مناسبی دارد و به همین دلیل است که راهبرد خود را نسبت به سازمان گسترده‌تر تعریف می‌کند. روسیه در همکاری با شانگهای، چهار هدف عمده را دنبال می‌کند؛ نخست، مدیریت زمینه‌های بحران در آسیای مرکزی، دوم ممانعت از نقش‌آفرینی بیشتر آمریکا در آسیای مرکزی، سوم زمینه‌سازی برای ایجاد یک سازمان امنیتی در برابر گسترش ناتو به شرق و چهارم، توسعه فضای همکاری اقتصادی در منطقه و ایجاد شرایط وابستگی متقابل اقتصادی می‌باشد (Волков, 2013). روسیه تمایل مشترکی با چین در تداوم خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از منطقه دارد، اگرچه براساس اصول سازمان شانگهای، این سازمان علیه دولت‌های ثالث یا متحدان اقدام نمی‌کند. در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ در سایه تیرگی روابط روسیه و آمریکا، پکن و مسکو تقویت همکاری‌های پرظرفیتی را به معرض نمایش

گذاشتند، به طوری که شی جین پینگ^۱، نخستین سفر خود در مقام ریاست جمهوری چین را به مسکو انجام داد و مانور نظامی بزرگ مشترک هم میان روسیه و چین برگزار شد که این مسئله عکس العمل منفی آمریکا را برانگیخت. هم روسیه و هم چین در جنگ با تروریسم و جدایی طلبی به سر می‌برند. روسیه همواره تمایل دارد که مسائل امنیتی و جنگ علیه تروریسم در الویت اول سازمان شانگهای باشد. همچنین این کشور از همکاری شانگهای با دیگر سازمان‌ها حمایت کرده است. به عنوان مثال، روسیه پیشنهاد برقراری فعالیت‌ها و همکاری‌های مشترک میان سازمان شانگهای و سازمان پیمان امنیت جمعی^۲ را از سال ۲۰۰۷ ارائه کرده است (Oldberg, 2007: 25-29). در همین ارتباط، ایگور مارگولوف^۳ - معاون وزارت خارجه روسیه - پیش از نشست سران این سازمان در بیشکک در سپتامبر ۲۰۱۳، مهم‌ترین دغدغه کشورش و حتی سایر اعضا را در این نشست، موضوع نامنی‌های افغانستان بعد از خروج نیروهای آمریکایی دانسته است.

روسیه نقش فراوانی برای سازمان شانگهای به منظور تثبیت اوضاع منطقه و به ویژه افغانستان قائل بوده و نظارت بر افغانستان را از اولویت‌های جدی این سازمان در سال ۲۰۱۴ می‌داند. در اواخر ماه اکتبر سال ۲۰۱۳، نیکلای بوردرژو دبیرکل سازمان پیمان امنیت جمعی (بلوک نظامی - سیاسی به ریاست روسیه)، از تهدیدآمیز بودن خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان برای امنیت منطقه آسیای مرکزی و نیز بازگشت شبه‌نظامیان از سوریه به کشورهايشان ابراز نگرانی کرده است. برای روسیه البته آخرین مورد از نتایج نامطلوب این رخدادها، انفجارهای اواخر سال ۲۰۱۳ در شهر ولگاگراد^۴ بود که منجر به کشته شدن ۳۴ نفر و زخمی شدن ده‌ها تن شد. مسئله‌ای که ارتباط غیرمستقیم با برگزاری مسابقات المپیک زمستانی در شهر سوچی روسیه در سال ۲۰۱۴ و ارتباط مستقیم با نقش‌آفرینی این کشور در روند مبارزه با تروریسم و بازیگران حامی آن در جنگ داخلی سوریه داشت (Voloshin, 2013).

1. Xi Jinping
2. CSTO: Collective Security Treaty Organization
3. Игорь Владимирович Моргулов
4. Volgograd



به‌طور کلی اهمیت ژئوپلیتیک شانگهای را برای روسیه در راستای برقراری ثبات استراتژیک و ارتقاءدهنده رشد اقتصادی دانسته‌اند. همچنین این سازمان با متمرکز نمودن اقدامات امنیتی، به روسیه کمک می‌کند تا توازن استراتژیکی را در منطقه امنیتی اوراسیا نسبت به ایالات متحده در پیش بگیرد. روسیه با نیازهای شدید اقتصادی از جمله نیاز به بازار مصرف انرژی، نقش شانگهای را برای خود مثبت تلقی می‌کند و تلاش دارد تا از آن به‌گونه‌ای مؤثر در مبارزه با خشونت و بنیادگرایی بهره ببرد (Сидров, 2011: 105-115).

۳-۳. جمهوری خلق چین

چین به‌عنوان کشور پیشرو در تأسیس و تداوم اساس و راهبردهای سازمان شانگهای، مهم‌ترین اصول استراتژی خود در سی سال گذشته را بر اصول زیر بنا نهاده است:

- حفظ نظم داخلی و افزایش قابلیت دولت در مواجهه با کشمکش‌های این حوزه؛

- دفاع در برابر تهدیدهای خارجی مداوم علیه حاکمیت ملی و سرزمینی؛

- کسب و تداوم تأثیرگذاری ژئوپلیتیک به‌عنوان یک قدرت بزرگ و در مراحل بعد به‌عنوان یک ابرقدرت (Sutter, 2012: 12-14).

این سه استراتژی کلان در مجموع موجب شکل‌گیری مفهوم امنیتی جدید در چین شد که به‌نام ظهور مسالمت‌آمیز^۱ مشهور است. مهم‌ترین ویژگی این مفهوم آن است که چین بدون درگیری‌های سیاسی در عرصه تعاملات بین‌المللی، به یک ابرقدرت تبدیل شود. این مفهوم خود سه کارویژه اصلی دارد که عبارتند از:

- کاهش تنش در محیط امنیتی برای تمرکز بر اهداف داخلی؛

- اطمینان‌بخشی به همسایگان پیرامون ظهور چین؛

- ایجاد موازنه محتاطانه در برابر ایالات متحده (Sutter, 2012: 30).

اساساً استراتژی کلان چین و مفهوم امنیتی ظهور مسالمت‌آمیز و کارویژه‌هایش، محملی برای فهم اهداف چین در شانگهای است. کاهش تنش در محیط امنیتی،

به خصوص معضل امنیتی سین کیانگ، نخستین هدف چین در سازمان همکاری شانگهای است. منطقه سین کیانگ چین به دلیل وجود قومیت و مذاهب مختلف موجود در آن، همچنان برای چین دردسرافرین است. به همین دلیل چین در تلاش است تا با استفاده از سازوکارهای سازمان همکاری شانگهای، این قضیه را رفع و رجوع سازد. دومین مسئله، شکنندگی وضعیت دولت‌های آسیای مرکزی است. چین نیز که خطر افراط گرایی و قاچاق مواد و دیگر تهدیدات امنیتی از این منطقه را احساس می‌کرد، به تدریج نسبت به آینده آسیای مرکزی حساس شد. نکته سوم، بحث امنیت سازی است که کارویژه اساسی آن برای دیپلماسی چین اعتمادسازی در سیاست خارجی برای شرکاء است (Ghiasy, 2013).

استقرار دبیرخانه سازمان شانگهای در پکن پایتخت کشور چین، استفاده از کارکنان چینی در این دبیرخانه و تأسی نام آن به یکی از مهم‌ترین شهرهای چین موجب شده تا این کشور به مثابه پیشنهادکننده تأسیس این سازمان، از موقعیت مسلطی در آن برخوردار باشد. این اثرگذاری بیشتر در حوزه‌های اقتصادی و انتقال منابع عظیم انرژی منطقه به چشم می‌خورد. اما وجود ابعاد و وزن چندجانبه نیروهای سیاسی در سازمان شانگهای، موجب شده تا نگرانی غربی‌ها از بابت صعود جهانی چین به جایگاه قدرت برتر تا حدی کاهش یابد. این موضوع دقیقاً مرتبط با تمایلات روسیه در ارتباط با پذیرش شانگهای به عنوان یک نهاد امنیت محور بوده و پکن را بر روی آن متمرکز کرده است. در واقع مسکو نگران آن است که شانگهای تبدیل به سازمانی جهت ترویج نظم و ترتیبات مدنظر چینی‌ها شود. این موضوع به طور گسترده در تقابل با تلاش روس‌ها در راستای حداکثرسازی منافع ملی‌شان از طریق سازمان امنیت دست‌جمعی و یا حتی ناتو است. نگرانی مسکو پیرامون این مطلب، زمانی به اوج خواهد رسید که شانگهای مانع از تداوم حضور مناسب‌شان در آسیای مرکزی شود. روس‌ها تاکنون مشارکت چینی‌ها را در آسیای مرکزی هم به طور رقابتی و هم تعاملی نگرسته‌اند و رشد مناسبات چین با کشورهای این منطقه را به دقت زیر نظر دارند (Голобоков, 2012).

برقراری اتحادی در این منطقه با چینی‌ها مدنظر مسکو خواهد بود که شرط اصلی آن در نظر داشتن برابری تقریبی در مسائل نظامی و اقتصادی باشد. در این باره



چین جهت تطبیق خود با واقعیت‌های منطقه، به‌جای آن‌که خود را جانشین روس‌ها در جغرافیای مشخص‌شده جلوه دهد، تلاش کرده تا حضور نظامی خود را در کشورهای آسیای مرکزی به حداقل برساند. با توجه به همکاری‌های نظامی میان مسکو و پکن، شانگهای به اهداف چینی‌ها در تلاش‌های دو و یا چندجانبه با کشورهای آسیای مرکزی به‌همراه روسیه مشروعیت بخشیده است. در واقع تلاش چین نه مقابله با نقش نظامی روسیه در این منطقه، بلکه همراهی با راهبردهای آنان است (Oldberg, 2007: 29-34).

۴. ابزارهای سازمان همکاری‌های شانگهای

۴-۱. ابزارها و امکانات نظامی

همکاری‌های نظامی میان چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قیرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) با پیمانی در سال ۲۰۰۱ نهادینه شد. توسعه ابزارهای نظامی برای هدایت همکاری‌های ضدتروریستی، ضدجداطلبی^۱ و ضدافراطی‌گرایی^۲ از طریق ایجاد عملیات‌های نظامی سطح بالا، یکی از ویژگی‌های محوری این پیمان بوده است که البته هریک از اعضا با توجه به تفاوت‌های اساسی در صدد مواجهه و بهره‌مندی از آن هستند. سه مولفه یادشده اولویت بالایی نزد کشورهای عضو جهت مقابله و ممانعت از گسترش‌شان دارند؛ مواردی که پس از فروپاشی شوروی، مبارزه آمریکا با طالبان و القاعده و با طرح موضوع خروج نیروی‌های این کشور از افغانستان در سال ۲۰۱۴ روز به روز گسترش می‌یابد و به‌عنوان دغدغه اصلی رهبران کشورهای عضو شانگهای قلمداد شده‌اند. تمرینات مشترک نظامی اعضا با این هدف دنبال می‌شوند که روسیه و چین معتقد به توانایی‌ها و قابلیت‌های کشورهای آسیای مرکزی در راستای مبارزه با تهدیداتی همچون تروریسم و افراط‌گرایی در این ناحیه هستند.

هم روسیه و هم چین استفاده از نیروی نظامی را به‌عنوان موثرترین ابزار مبارزه و امحای تروریسم در آسیای مرکزی مطلوب می‌دانند. اگرچه به‌ظاهر انجام این

1. Anti-Separatism
2. Anti-Extremism

تمرینات مشترک نظامی اساساً به‌عنوان ابزار روسیه و چین جهت حضور مؤثر در آسیای مرکزی قلمداد می‌شود، اما در چارچوب سازمان شانگهای، انجام تمرینات به کشورهای منطقه یاری رسانده تا به‌مثابه یک عضو و همکار مؤثر در مبارزه با تهدیدهای مشترک تبدیل شوند (Oldberg, 2007: 13-16). این تمرینات همچنین به کشورهای عضو با یک چارچوب توسعه استراتژی‌های مشترک از طریق اشتراک منابع اطلاعاتی کمک نموده؛ همچنین از طریق انجام این تمرینات مشترک، مفهوم همگرایی نظامی میان کشورهای با ساختارهای متفاوت جایگاه مهمی در سیاست خارجی اعضا یافته است. علاوه بر این، کشورهای آسیای مرکزی با شرکت در عملیات‌های نظامی مشترک، منابع ضروری زیادی را از روسیه و چین دریافت می‌کنند که از جمله آنها وسایل نقلیه، قطعات یدکی و تجهیزات ارتباطی می‌باشند. از سوی دیگر، افراط‌گرایان شبه‌نظامی نیز در کشورهای عضو شانگهای با توسل به سلاح‌های سبک کنونی در حال به‌چالش کشیدن ثبات منطقه هستند.

عدم تسلط کشورهای آسیای مرکزی در مرزبانی از قلمروشان و وجود سیاست‌های نامناسب در مراقبت از مرزها، شبه‌نظامیان افراط‌گرا را جهت انجام عملیات در این ناحیه مشتاق‌تر کرده است. به‌طور مثال دره فرغانه^۱ که بین سه کشور تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان قرار دارد، تبدیل به محیط مناسب رشد اندیشه‌های افراطی اسلامی شده است. گسترش این موضوع عمدتاً در عدم توانایی دولت‌های مذکور در کنترل مناسب محیط فیزیکی و اجتماعی این منطقه برشمرده می‌شود. روسیه و چین تلاش می‌کنند تا این عدم توانایی دولت‌های آسیای مرکزی را در تأمین امنیت منطقه، با انجام تمرینات نظامی مشترک در چارچوب سازمان شانگهای ارتقاء داده و مانع از تمایل دولت‌های فرامنطقه‌ای به ایفای نقش در این منطقه حساس شوند. حمله آمریکا به افغانستان نیز در سال ۲۰۰۱، ورود نیروهای مسلح آمریکا را به آسیای مرکزی به ارمنان آورده است. اگرچه روسیه و چین از مبارزه آمریکا با تروریسم طالبانی در جنوب آسیا حمایت کردند، اما استقرار نیروی‌های نظامی این کشور در آسیای مرکزی همواره یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های چین و روسیه بوده است؛ جایی که پیگیری منافع ایالات متحده در

تقابل جدی با رویکردهای روسیه و چین واقع شده است.

۲-۴. ابزارها و همکاری‌های امنیتی- نظامی

عدم حل و فصل مسائل مرزی، اختلافات قومی، اختلاف بر سر بهره‌برداری از ذخایر آب و انرژی زمینه مناسبی را برای اقدامات سازمان‌های تروریستی و افراط‌گرای مذهبی فراهم می‌کند. ترسیم‌کنندگان برنامه‌های امنیتی سازمان‌های، نگاه خود را براساس حمایت از همکاری‌های نظامی کشورهای عضو در مقابله با تهدیدات فراملی‌شان از قبیل قاچاق مواد مخدر و سلاح، جرایم سازمانی همچون قاچاق انسان و به‌ویژه تروریسم متمرکز کرده‌اند. البته تاکنون رویکرد کشورهای عضو نسبت به مقابله با تهدیدات بالا، عمدتاً نظامی بوده است. به‌طور مثال مانورها و تمرینات زمینی، دریایی و هوایی که با هدف مبارزه با تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی در میان این کشورها صورت گرفته است، اغلب در طراحی مانورها و تمرینات نظامی‌ای به‌کار می‌رود که عمدتاً در راستای اهداف سستی تدافعی-تهاجمی جنگ میان دولت‌ها به‌کار می‌رود. می‌توان این‌گونه استنباط کرد که این تمرینات در راستای جلوگیری از مداخلات ایالات متحده در امور آسیای مرکزی ترسیم شده‌اند. با این حال، علاوه بر ترسیم برنامه نظامی- امنیتی سستی، سازمان‌های تهدیداتی دیگر همچون خرابکاری‌های سایبری و جنبه‌های خطرناک تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی را از طریق تسهیل گفتگوها و تبادل اطلاعات میان اعضا و آموزش مشترک و تهیه پیش‌نویس قانونی مورد پیگیری قرار داده است.

در سال ۲۰۰۶ در بین کشورهای آسیای مرکزی به‌همراه ترکمنستان، پیمانی با هدف ایجاد منطقه عاری از تسلیحات هسته‌ای امضاء شد که این دولت‌ها را ملزم به عدم تولید، کسب و یا استقرار سلاح‌های هسته‌ای و اجزای سازنده آنها کرده است. تأیید این پیمان از سوی قدرت‌های هسته‌ای سازمان‌های- یعنی روسیه و چین- را می‌توان به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز نگریند. اما با این حال و با وجود همکاری‌های نظامی در حال رشد، نیروی نظامی مشترک، دستور و یا حتی کارکنانی جهت برنامه‌ریزی مشترک در این زمینه دیده نمی‌شود (Serebryakova, 2009: 96-100). این موضوع تا حد زیادی مربوط به راهبرد استراتژیک کشور چین و نوع نگاه

آن به مسائل سیاست بین‌الملل می‌باشد. در واقع پکن تلاش می‌کند تا کارکردهای سازمان شانگهای را از سازمان‌های امنیتی همچون پیمان امنیت دست‌جمعی متفاوت جلوه دهد. از نگاه چین سازمان پیمان امنیت جمعی، یک سازمان نظامی-سیاسی بوده، در حالی که سازمان همکاری‌های شانگهای یک بلوک سیاسی-اقتصادی محسوب می‌شود و از آنجا که از تبدیل شدن این سازمان به یک ائتلاف نظامی هراس دارد، به دنبال تقویت همکاری بین این دو سازمان نیست (Суслина и Лузянин, 2005: 358-359)

چین همچنین نگران است که همگرایی این دو سازمان، مواضع روسیه را که می‌تواند به ارمنستان و بلاروس فشار آورد، تقویت کند. اصولاً چین تبدیل سازمان همکاری‌های شانگهای به چیزی شبیه «ناتوی شرقی»^۱ را به عنوان بار سنگینی برای خود تلقی می‌کند؛ چرا که یکی از اولویت‌های چین در سیاست دفاعی و خارجی و مسائل کشورها، تلاش در جهت اجتناب از مقابله علنی بوده و هست، ضمن این که چین در پیمان‌های نظامی-سیاسی مرتبط نیز حضور نمی‌یافت. با این حال، بعضاً نمونه‌هایی از همکاری‌های نظامی-امنیتی میان اعضای این سازمان را می‌توان کاربردی‌تر از سایر اقدامات تلقی کرد؛ از آن جمله می‌توان به تدوین یک ساختار منطقه‌ای ضدتروریستی در سال ۲۰۰۴ با هدف تدوین بانک اطلاعاتی مشترک در زمینه رهگیری فعالیت‌های تروریستی (شامل تحت نظر داشتن نامحسوس رهبران، اعضا، مسیرهای ارتباطی و عملیاتی، منابع مالی، حمایت‌ها و آموزش‌های لجستیکی و کمک به ارائه پیش‌نویس اسناد حقوقی-بین‌المللی مربوط به مبارزه با این گروه‌ها) اشاره کرد. همچنین در همین ارتباط در سال ۲۰۰۶ یک گروه از کارشناسان این سازمان و از میان اعضای آن با هدف ترسیم هندسه اقدامات ضدتروریستی تشکیل شد (Joint Communiqué of Meeting..., 2006).

در اجلاس ۲۰۰۷ بیشکک قرقیزستان طرح امنیت اطلاعات بین‌المللی و اجرای مانور بزرگ ضدتروریستی سازمان در منطقه چلیابینسک^۲ روسیه با عنوان

1. "Eastern NATO"
2. Chelyabinsk



«مأموریت صلح ۲۰۰۷»^۱ به تصویب اعضاء رسید. با وجود چنین کنش‌های جمعی در مواجهه با موضوعات امنیتی تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی (در وهله نخست قزاقستان) به دنبال حفظ روابط نظامی و سیاسی، نه تنها با روسیه، بلکه با ناتو و ایالات متحده آمریکا بودند. هرچند چین نیز همکاری‌های دوجانبه نظامی را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش داده، اما این همکاری‌ها در مقایسه با همکاری کشورهای منطقه با غرب محدودتر است. نکته جدید در این مسئله آن است که آیا با جابه‌جایی اولویت‌های ژئوپلیتیکی آمریکا از خاورمیانه به منطقه آسیا، پکن خواهد توانست حساسیت و خلأهای موجود در سیاست خارجی و نظامی خود را با شرایط نوین همسان‌سازی کند (Николай, 2014).

در حال حاضر چین در بخش امنیت عمومی با تخصیص ۲۲ میلیون دلار در زمینه تنظیم حرکت وسایل نقلیه در تاجیکستان طرحی را مورد اجرا قرار داده است. در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۳ بر اساس توافقات تدوین‌شده بین نهادهای انتظامی چین و تاجیکستان، شرکت‌های چینی با نصب تجهیزات و دوربین‌های مداربسته در خیابان و جاده‌های شهر دوشنبه در تنظیم ترافیک مساعدت می‌کنند. اهدای تجهیزات برای پرسنل، وسایل حمل‌ونقلی و خودروهای خدمتی به وزارت کشور تاجیکستان از دیگر اقداماتی است که چین در گذشته و در چارچوب برنامه همکاری‌های امنیتی به اجرا رسانیده است (همکاری چین و تاجیکستان...، ۱۳۹۲).

۳-۴. ابزارها، همکاری‌ها و رقابت‌های سیاسی

چارچوب‌های مختلفی برای همکاری در آسیای مرکزی وجود دارند. از این تعداد، سازمان پیمان امنیت جمعی به دلیل داشتن ماهیت هماهنگ‌کننده سیاست‌ها و همکاری‌ها برای روسیه و به دلیل داشتن ماهیت نهادی چندجانبه و منطقه‌ای برای چین (Ghiasy, 2013) اهمیت ویژه‌ای دارد. اگرچه برآوردها از تسلط چینی‌ها بر آینده منطقه حکایت دارند، اما از آنجایی که وجود سازمان شانگهای به روسیه این فرصت را داده است تا به‌عنوان رهبر دوفاکتو ائتلاف منطقه‌ای، جایگاه سیاسی بین‌المللی خود را ارتقاء دهد؛ می‌توان ادعا کرد که شانگهای ارزش‌های سیاسی

1. "Peace Mission 2007"

مسکو را نیز در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت کرده است. این موضوع از آنجا ناشی شده است که سازمان پیمان امنیت جمعی به‌عنوان اهرم سیاسی- نظامی روس‌ها در سال‌های اخیر از کارایی بین‌المللی کمتری نسبت به شانگهای برخوردار بوده، بنابراین روس با عضویت در شانگهای همواره تلاش خواهند کرد تا منافع در حال گسترش این سازمان را ادامه و ارتقاء دهند (Сидров, 2011).

اما مشروعیت سازمان شانگهای این اجازه را به پکن می‌دهد تا نشان دهد تعهدش نسبت به سیستم سازمان ملل متحد صرفاً نمادین نیست. به‌عنوان مثال، برای جامعه بین‌المللی تقاضای شانگهای، پذیرفتنی است که می‌توان برضد افراط‌گرایان شبه‌نظامی داخلی از نیروی نظامی جهت سرکوب استفاده کرد. تلاش‌های چین برای استدلال اصل احترام به حاکمیت مطلق داخلی^۱ کشورها و عدم مداخله^۲ در امور داخلی آنها و در زمینه‌هایی که معنای مشروع برای مبارزه با تهدیدات علیه دولت‌ها وجود دارد، براساس مبانی اصلی سازمان ملل ترسیم شده است. استفاده از قوه نظامی برای مقابله با شبه‌نظامیان افراط‌گرا با حمایت معنادار کشورهای مختلف همراه بوده است و در واقع چین با تلاش خود در حمایت از اصول و سیستم قدیمی سازمان ملل متحد به موفقیت بزرگی نایل شده است. در همان حال، تعهد شانگهای به حکومت‌های موجود در آسیای مرکزی، تعهد به اصول کنترل مؤثر را به‌تصویر می‌کشد؛ نگرشی که از بسیاری از کشورهای در حال توسعه حمایت به‌عمل می‌آورد. معنای دیگر این سیاست، تقابل با رویکردهای واشنگتن در حمایت از گروه‌های مخالف نامشروع و تلاش آنها برای سرنگونی دولت‌های وقت می‌باشد. به‌طور مثال می‌توان به برکناری آقاییف^۳ از قدرت در قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد که ایالات متحده از سوی چین و روسیه به‌عنوان متهم اصلی دخالت در امور داخلی این کشور شناخته می‌شد. سیاست شانگهای در مورد حضور دولت‌های غربی در آسیای مرکزی، حفظ نیروهای نظامی تنها در چارچوب عملیات‌های سازمان ملل در افغانستان است. این

1. Absolute Sovereignty
2. Non-Interference
3. Akaev



سیاست و تقاضا، به‌منزله تلاش این کشورها جهت نشان‌دادن پابندی‌شان به صدور مجوزهای سازمان ملل متحد پیرامون مسائل مهم صلح و ثبات جهانی است. رخدادهایی از جمله درخواست‌های ایالات متحده جهت تحقیق دربارهٔ کشتار سال ۲۰۰۵/اندیجان در ازبکستان، که در آن دولت جهت مبارزه با تروریسم، غیرنظامیان را مورد هدف قرار داد، نه به‌مثابهٔ دفاع مشروع از حقوق جهانی بشر، بلکه به‌عنوان دخالت نامشروع در امور داخلی ازبکستان از سوی شانگهای تلقی و منجر به اخراج تلویحی آمریکایی‌ها از این کشور و وضع تحریم اقتصادی محدود از سوی ایالات متحده علیه آن شد. در واقع سازمان همکاری‌های شانگهای از به‌خطر نیفتادن حق حاکمیت مطلق کشورها حمایت به‌عمل می‌آورد، در حالی‌که آمریکایی‌ها تلاش دارند تا این سیستم را به‌طور تلویحی مورد تغییر قرار داده و نقض فاحش موارد حقوق بشری مورد ادعا- از جمله نسل‌کشی^۱ - را به‌عنوان تلاش جهت دگرگونی شرایط ایجادکنندهٔ صلح مورد بررسی قرار دهند (Lukin, 2007: 31-40).

سیاست شانگهای نسبت به سازمان ملل را تا حد زیادی می‌توان در تناظر با دیدگاه‌های پکن دانست. چین علاقه‌مند است تا ساختار سنتی ملل متحد حفظ شده و بدین‌شبهه زمینه برای جلوگیری از تلاش‌های یک‌سویه غرب در تغییر نامشروع ساختار تصمیم‌گیری فراهم شود، در سوی دیگر این اجازه را به‌غرب نمی‌دهد تا از موضوع حقوق بشر به‌عنوان اهرم فشار بر امور داخلی این کشور و دولت‌های همسایه آن بهره برد. پکن همواره بر موضوع احترام به حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان یکی از موضوعات و اصول پیش‌رو در نظام بین‌الملل تأکید داشته و معتقد است که این موضوع همواره از سوی ملل متحد مورد تداوم قرار گرفته و در واقع نمی‌توان جایگزینی برای نظم ساختاری کنونی جهان متصور شد. بمباران ناتو در کوزوو و صربستان در سال ۱۹۹۹ و حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ که دستور مشخصی از سوی سازمان ملل نداشتند، اغلب به‌عنوان نمونه‌هایی از سوی چین مطرح می‌شوند که در آنها در نبود یک استدلال اخلاقی و عدم تأیید جامعه جهانی، منجر به حمله به این کشورها و توجیه مداخلات بشردوستانه در آنها شد (Xiaocheng, 2003: 170-171).

1. Genocide

۴-۴. ابزارها، همکاری‌ها و رقابت‌های اقتصادی

ابزارهای اقتصادی همچون جریان آزاد تجارت و عوامل سرمایه‌ای و مالی، همواره از توان بالقوه‌ای برای افزایش همگرایی در یک مجموعه سازمانی برخوردار هستند. اما در مورد سازمان‌های دانشگاهی و اعضای آن، از آنجایی که زمان زیادی از تاسیس آن نمی‌گذرد، باید توجه کرد که تا چه حد اراده لازم برای بهره‌مندی از این فرصت‌ها میان اعضاء وجود دارد. در موضوعات اقتصادی، اعضای دانشگاهی در حال برآورد این موضوع هستند که ابزارهای مشترک چگونه می‌توانند به افزایش منافع اقتصادی کشورهای عضو کمک کنند. یکی از راه‌های ارتقای رفاه و رونق اقتصادی، همکاری در حوزه‌های زیرساختی قدرت و انرژی است که از آن جمله می‌توان به توسعه شبکه‌های برقی و شبکه‌های برقی‌آبی قدرت^۱ اشاره کرد که می‌توانند تأمین‌کننده نیازهای منطقه‌ای انرژی باشند. برای کشور چین، همکاری در حوزه انرژی می‌تواند به تأمین و تضمین منابع مورد نیازش بینجامد و در مورد روسیه می‌تواند منجر به کنترل بر روند تأمین منابع انرژی در این گستره جغرافیایی عظیم شود. از آنجایی که روسیه از مهم‌ترین کشورهای دارنده انرژی در دنیا بوده، در کنار کشورهای آسیای مرکزی بهترین تأمین‌کننده سوخت لازم برای صنایع به‌شدت نیازمند چین خواهند بود. یکی دیگر از کارکردهای این موضوع برای روس‌ها، فشار بر اتحادیه اروپاست؛ به‌نحوی که در مواقع حساس آنها خواهند توانست چرخش قابل توجهی به سمت همکاری‌های جایگزین با شرکای غربی داشته باشند. روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده یک‌سوم منابع انرژی مصرفی کشورهای اروپایی، دست‌کم تا یک دهه آینده مباحث جدی را پیرامون افزایش نرخ قیمت منابع انرژی با غربی‌ها دنبال می‌کند (Oldberg, 2007: 18-19). در مورد کشورهای دیگر آسیای مرکزی شرایط به همین منوال پیش می‌رود؛ یعنی به‌واسطه نیاز شدید بازارهای مصرفی دنیا به منابع انرژی، این کشورها همواره شرکای جایگزینی در زمینه همکاری پیرامون منابع انرژی دارند. مواردی همچون طرح‌های حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای را می‌توان به‌مثابه کاهنده‌های انزوای کشورهای همچون تاجیکستان و قرقیزستان قلمداد کرد (Bailes, 2007: 16-17). در راستای افزایش قابلیت‌های سرمایه‌ای دانشگاهی، موضوع ایجاد بانک و بنیاد مشترک



توسعه کشورهای شرکت‌کننده در نشست سران سال ۲۰۱۳ در بیشکک مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پیش‌بینی شد منابع مالی که در این بانک نگهداری می‌شود، در راستای توسعه طرح‌های مشترک این سازمان در کشورهای شرکت‌کننده در آن اختصاص داده شود.

اهداف کشورها در همکاری‌های اقتصادی عمدتاً دستیابی به توازن رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی است که سرانجام منجر به ارتقای سطح شرایط زندگی خواهد شد. در این ارتباط در سال ۲۰۰۳، سازمان شانگهای نیز مبادرت به تصویب یک برنامه چندجانبه تجاری میان اعضاء کرد. در سال ۲۰۰۵ این برنامه به‌وسیله یک برنامه عمل جهت اجرایی‌سازی مورد پیگیری اعضاء قرار گرفته است. همچنین در بیانیه ۲۰۰۴ تاشکند، توسعه تدریجی اقتصادی و رضایتمندی انسانی از نیازهای اساسی و جمعیتی به‌مثابه تضمین‌کننده ثبات و امنیت اعضاء مورد تأکید قرار گرفت. کشور چین خود در سال ۲۰۰۴، اقدام به ایجاد یک صندوق اعتباری بزرگ با سرمایه ۹۰۰ میلیون دلاری به‌منظور کمک به شرکای خویش در آسیای مرکزی کرده که در کنار شانگهای به‌عنوان بازوی تشریک مساعی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای جلوه‌گر شده است (Turner, 2005: 97).

با این حال نیاز شدید چین به منابع انرژی آسیای مرکزی، امکان افزایش رقابت در داخل سازمان را دوچندان کرده است. منابع آسیای مرکزی برخلاف سایر منابع که اغلب از راه دریایی به چین می‌رسند، نیاز چندانی به تأمین امنیت از طریق صرف هزینه‌های مالی فراوان ندارند. از سوی دیگر کشورهای منطقه نیز تمایلات فراوانی را برای تغییر در مسیر انتقال منابع انرژی‌شان از خطوط روسی به سایر خطوط نشان داده‌اند. این موضوع امکان استقلال این کشورها را در تعیین قیمت منابع افزایش می‌دهد و البته به رقابت جدی میان اعضاء تبدیل خواهد شد. در سال‌های اخیر مسائل مربوط به موضوع انرژی در نشست‌های شانگهای به موضوع مهمی تبدیل شده است. پیشنهاد تأسیس «باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای»^۱ از سوی پوتین، رئیس‌جمهور وقت روسیه در سال ۲۰۰۶ را می‌توان به‌عنوان هشدار به ناتو و اتحادیه اروپا تلقی کرد (Братерский и Суздальцев, 2009).

1. SCO Energy Club

این ارتباط در سال ۲۰۰۶ کارگروهی برای ایجاد این باشگاه انرژی آسیایی در راستای همسان‌سازی تولیدات انرژی در کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده راه‌اندازی و به بحث گذاشته شد. البته در زمینه‌های مساعدتی نیز چین در اجلاس سال ۲۰۰۹ در شهر یکتاترینبورگ متعهد شد که وام ده میلیارد دلاری به اعضای سازمان برای مقابله با پیامدهای بحران مالی جهانی اعطا کند. با این حال، این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اختلافات دو کشور در حوزه‌های مالی و چگونگی اعطای تسهیلات به سایر اعضا به قوت خود باقی مانده است. روس‌ها نسبت به روند سرمایه‌گذاری ده میلیارد دلاری چینی‌ها و تأسیس بانک شانگهای برای اعطای وام به اعضا مردد بوده و از سوی دیگر چینی‌ها به‌صورت دوجانبه و نامحسوس مشغول اعطای این سرمایه‌گذاری‌ها به سایر دولت‌ها هستند (Pozman, 2013). همچنین در این اجلاس یک برنامه عمل^۱ در زمینه همکاری چندجانبه اقتصادی و تجاری^۲ میان اعضا به‌تصویب رسید. برنامه عمل برای سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ در جهت اجرای مفاد معاهده حسن همجواری، دوستی و همکاری میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نیز مورد بررسی نشست ۲۰۱۲ سران در بیشکک قرقیزستان قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

در دیدگاه بوزان به‌جز در بخش‌های سیاسی و نظامی در بخش‌های دیگر از جمله بخش‌های اقتصادی، محیطی، هویت و ...، که افراد به‌عنوان موضوع ارجاعی امنیت محسوب می‌شوند، نیز می‌توان مفهوم را جستجو کرد. در نگاه بوزان، دولتی‌بودن بازیگران، نزدیکی جغرافیایی مرزهایشان و شرایط هرچو مرچ‌گونه جوامع مرتبط در یک مجموعه مهم‌ترین متغیرهای نوین یک مجموعه امنیتی هستند. در این تفسیر هرگونه کنش و واکنشی که دارای ماهیت امنیت‌محور باشد، خواه میان دوستان و یا میان دشمنان صورت پذیرد، به‌دلیل بروز در مقیاس جغرافیایی کوچک و نزدیک به هم شدت بیشتری دارد.

در میان کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای، به‌نظر می‌رسد چین

1. Action Plan
2. Program of Multilateral Trade and Economic Cooperation

همسو با سیاست‌های اقتصادی خود در سایر نقاط جهان تلاش دارد از سازمان همکاری‌های شانگهای برای گسترش دامنه نفوذ اقتصادی خود در آسیای مرکزی استفاده کند. به این مسئله باید اختلاف نظر و رقابت اقتصادی چین و روسیه را نیز افزود. روسیه مخالف پیشنهاد چین درباره منطقه آزاد تجاری است و از سوی دیگر در تلاش برای ایجاد یک اتحادیه گمرکی فراتر از شانگهای است که تاکنون به امضای رؤسای سه کشور روسیه، قزاقستان و بلاروس رسیده است. به‌جز چین و روسیه، ساختار اقتصادی قزاقستان و ازبکستان به‌عنوان دو کشور دیگر در این سازمان که از سطح اقتصادی بالاتری برخوردارند، تنها به فروش نفت، گاز و درآمد حاصل از فروش آن وابسته است و قرقیزستان و تاجیکستان نیز از سایر منابع طبیعی خود درآمد کسب می‌کنند. بنابراین نقش اعضای در شانگهای را می‌توان تابعی از شرایط ژئوپلیتیک و اوضاع سیاسی-اجتماعی واحدها دانست. حضور دو کشور بزرگ بین‌المللی دارای حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل بر اهمیت موضوع افزوده است. البته روابط در چارچوب این مثلث ژئوپلیتیکی، پیچیده و چندوجهی است، به‌ویژه در رابطه با آسیای مرکزی، با توجه به این مسئله که آسیای مرکزی به‌طور مستقیم با چین و روسیه مرز مشترک دارد و هر نوع اقدام تهاجمی از سوی هر یک از نقش‌آفرینان خارجی منجر به فعال‌شدن دیگر بازیگران خواهد شد. در روابط بین همسایگان مستقیم کشورهای منطقه؛ یعنی چین و روسیه باید توان بالقوه درگیری وجود داشته باشد، ولی این مسئله به دو دلیل جنبه پنهان دارد: نخست، روش‌های متفاوت جذب کشورهای منطقه آسیای مرکزی در حوزه نفوذ که اولویت‌های مختلفی را در عرصه مشارکت نشان می‌دهد. و دوم وجود مقابله با دشمن مشترکی به نام آمریکا را به یاد می‌آورد.

اگر از منظر بوزان به موضوع نگاه کنیم، با توجه به حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه، مجموعه امنیتی آسیای مرکزی بزرگ، یک «مجموعه امنیتی قدرت بزرگ» است. در چنین منطقه‌ای، قطب منطقه با بیش از یک قدرت سطح جهانی (درون منطقه‌ای) تعریف می‌شود. چنین مجموعه‌هایی به دو دلیل با دیگر مجموعه‌های امنیتی متفاوت هستند: نخست آنکه پوشش‌های آنها به‌صورت مستقیم، محاسبه‌های مربوط به توازن در سطح جهانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. دوم آنکه

چون قدرت‌های بزرگ خود درگیر مسائل مجموعه‌های امنیتی منطقه مورد نظر هستند، انتظار می‌رود پویش‌های امنیتی این منطقه به مناطق هم‌جوار سرایت کند و شدت تعامل‌های منطقه‌ای بیش از معمول شود (کریمی و عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۵۰)

به‌طور کلی وجود رقابت در سازمان شانگهای در مقطع کنونی و در دورنمای آن قابل انکار نیست. این رقابت عمدتاً به‌واسطه حضور هم‌زمان دو قدرت بزرگ منطقه‌ای با توان تبدیل به قدرت جهانی در آن است. مسکو بر روی تقویت توان بالقوه نظامی سازمان شانگهای اصرار دارد و مبتکر ایجاد مرکز نظامی مشترکی برای مقابله با تهدیدهای امنیتی برای کشورهای عضو شانگهای شده و تلاش دارد تا مانع از تقویت همکاری‌های اقتصادی در چارچوب این سازمان (که در این راستا چین مبتکر ایجاد منطقه آزاد تجاری، حساب ویژه و بانک شانگهای است) شود که در این صورت چین سرمایه‌گذار اصلی و مهم‌ترین شریک تجاری کشورهای منطقه آسیای مرکزی خواهد شد و برتری این کشور چه در سطح سازمان شانگهای و چه در چارچوب روابط دوجانبه که پکن توجه زیادی به آن دارد، تقویت خواهد شد. اما رویکرد کنونی که پکن در شانگهای بدان توسل می‌جوید، بهره‌مندی از هر دو ساختار اصلی بین‌المللی؛ یکی به رهبری آمریکا و دیگری به تقابلات روسیه است. اما نکته رقابتی در آنجاست که اگر شانگهای در روسیه به‌مثابه سازوکار پیش‌برنده اقدامات چین تلقی شود، قطعاً از مجاری بوروکراتیک در تداوم روند آن توسط روس‌ها وقفه ایجاد خواهد شد. اما وقوع چنین حالتی به‌ندرت ممکن خواهد بود.

منابع

الف - فارسی

اسنایدر، کریگ. ای (۱۳۸۴)، *امنیت و استراتژی معاصر*، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، تهران: دوره عالی جنگ.

بوزان، بری و اله ویور (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، بری (۱۳۸۹)، *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ*، سیاست‌های جهانی در قرن بیست‌ویکم، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، تهران: میزان. قرابایف، عدنان (۱۳۹۲/۱۱/۰۲)، *شانگهای؛ راه حل بحران مرزی قرقیز-تاجیک*، خبرگزاری فارس، قابل دسترس در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13921101000222>

کرمی، جهانگیر و حمیدرضا عزیزی (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «روابط امنیتی چین با آسیای مرکزی؛ از پیوندهای امنیتی تا مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ششم، شماره ۱۲.

همکاری چین و تاجیکستان در مبارزه با تروریسم (۱۳۹۲/۰۹/۲۷)، خبرگزاری فارس، قابل دسترس در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920927000078>

ب - انگلیسی

Alyson J. K. Bailes, Pál Dunay, Pan Guang and Mikhail Troitskiy (2007) *'The Shanghai Cooperation Organization'*, SIPRI Policy Paper No. 17, Stockholm: SIPRI.

Bailes, J.K. ET. al. (2007) *'The Shanghai Cooperation Organization'*, SIPRI Policy Paper, no. 17.

Buzan, Barry (2000), *'The Logic of Regional Security in the Post-Cold War World'*, in the New Regionalism and the Future of Security and



Development, edit by Bjorn Hettne, Andras Inotai and Sunkel, New York: Martins Press.

Buzan, Barry (2007), **People, States and Fear: an Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era**, European Consortium for Political Research.

Fabio, Indeo (2010), **'Russia and China in Central Asia: Growing Geopolitical Competition'**, Italy: ITALIAN INSTITUTE FOR INTERNATIONAL POLITICAL STUDIES (ISPI), at: <http://www.ispionline.it/en>.

Ghiasy, Richard (2013), **Central Asian Fortune in Chinese Hands?** The Diplomat; Read the Diplomat, Know the Asia Pacific, at: <http://thediplomat.com/2013/12/central-asian-fortune-in-chinese-hands/>

Joint Communiqué of Meeting of the Council of the Heads of the Member States of the Shanghai Cooperation Organization (15/06/2006), the Shanghai Cooperation Organization, at: <http://www.sectso.org/EN123/show.asp?id=95>

Lukin, A. (2007), "Shanghai Cooperation Organization: Problems and Prospects", **International Affairs: A Russian Journal of World Politics**, Diplomacy and International Relations, Vol. 50, No. 3.

Oldberg, I. (2007), **'the Shanghai Cooperation Organization: Powerhouse or Paper tiger?'** Defense Analysis, FOI-R-2301-SE, Swedish Defense Agency.

Salimkova, L. K. (2007), **'the Shanghai Cooperation Organization and the Central Asian States'**, University of Hawai'i at Hilo.

Shulong, C. (2003), **'China, Asia and Issues of Sovereignty and Intervention'**, in International Intervention and State Sovereignty, China Reform Forum, National Committee on United States - China Relations (ed).

Sutter, Robert G. (2012), **Chinese Foreign Relations; Power and Policy since the Cold War**, United Kingdom: Rowman & Littlefield Publishers.

Sznajder, A.P. (2006), "China's Shanghai: Cooperation Organization Strategy", **Journal of IPS**, Vol. 5.

Turner, Jefferson E. (2005), **Shanghai Cooperation Organization: Paper Tiger or Regional Powerhouse?** Naval Postgraduate School, Monterey, California.

Voloshin Georgiy (2013), **Central Asia: Dim Security Prospects Ahead?** The

Diplomat; Read the Diplomat, Know the Asia Pacific, at:
<http://thediplomat.com/2013/12/central-asia-dim-security-prospects-ahead/>

Xiaocheng, Q. (2003), '**Reflections on Globalization and State Sovereignty**', in International Intervention and State Sovereignty, China -Reform Forum, National Committee on United States – China Relations (ed).

Yahuda, M. (2004), '**the International Politics of Asia-Pacific**', 2nd ed. London: Rutledge.

ج - روسی

Братерский Максим, Суздальцев Андрей (2009), '**Центральная Азия: Регион Экономической Конкуренции России, КНР, США И ЕС**', Швеция, Журнал ЦЕНТРАЛЬНАЯ АЗИЯ И КАВКАЗ.

Виталий Волков, (2013), '**У Москвы и Пекина в Центральной Азии общие интересы, но разные цели**', Москва, (22/03/2013)<http://inosmi.ru>.

Гилберт Розман, (2013), '**Российские представления об отношениях с Китаем**', Москва, «Весь мир», 704 с. И Резюме в Сайте: Россия в Глобальной Политике, <http://www.globalaffairs.ru/book/Rossiiskie-predstavleniya-ob-otnosheniyakh-s-Kitaem-16191>.

Голобоков Андрей Сергеевич, (2012), '**КНР и Шанхайская Организация Сотрудничества: опыт, проблемы и перспективы взаимодействия**', Владивосток, диссертации по гуманитарным наукам, <http://www.lib.ua-ru.net/diss/cont/499977.html>.

Марлен, Ларуэль и Себастьян, Пейруз (2013), '**Региональные организации в Центральной Азии: характеристики взаимодействий, дилеммы эффективности**', Бишкек, доклад Университет Центральной Азии. <http://www.ucentralasia.org>. 70 с.

Николай Писаренко, (2014), '**Пустит ли Китай Америку в Азию?**

Интернет - Журнал: Военно-политическая аналитика, <http://vpoanalytics.com/2014/01/08/pustit-li-kitaj-ameriku-v-aziyu>.

Серебрякова, Наталья Валерьевна, (2009), '**Шанхайская организация сотрудничества: проблемы политической интеграции в Центральной Азии**', Москва, Диссертации по гуманитарным наукам,

<http://cheloveknauka.com>. 149 c.

Сидоров, Дмитрий Алексеевич, (2011), **Роль и место Шанхайской Организации Сотрудничества в современном мире**, Москва, Научная библиотека диссертаций и авторефератов disserCat, <http://www.dissercat.com>. 140 c.

С. С. Суслина, и С. Г. Лузянин, (2005), **Китай: угрозы, риски, вызовы развитию**, Под ред. В. Михеева; Москва. Центр Карнеги. <http://carnegieendowment.org>. 647 c.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی